

ورود مستقیم آمریکا نشانه اقتدار یا ناکامی

■ ■ ■ **قاسم غفوری** ■ ■ ■

باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ در حالی در سمت رئیس‌جمهور آمریکا وارد کاخ سفید شد که شعار تغییر با ادعای پایان لشکرکشی‌های نظامی را مطرح کرد. وی مدعی بود که با راهبرد قدرت نرم می‌تواند منافع آمریکا را تأمین کند. اوباما در سال ۲۰۱۲ هنگام ورود دوباره به کاخ سفید باز هم این ادعا را تکرار کرد، چنانکه وی در وست پونت در میان نظامیان آمریکایی می‌گوید قدرت آمریکا نه به توان نظامی آن بلکه به قدرت نرمش، یعنی اقتصاد و دیپلماسی است. اوباما سال ۲۰۱۶، سال پایانی ریاست‌جمهوری خود را در حالی آغاز کرد که باز هم ادعای قدرت نرم و به دور از نظامی‌گری را سر داد. با وجود تمام این ادعاها س‌استار سیاست خارجی آمریکا در طی هفته‌های اخیر با تحولات چشمگیری همراه شده که بعضاً با ادعاها و شعارهای رئیس‌جمهوری اوباما همخوانی ندارد. در حوزه نظامی رفتار آمریکا مجموعه‌ای از تغییرات در حال رخ دادن است که محور آن نیز اعزام نیروهای نظامی به مناطق حساس



جهان است. آمریکا به طور رسمی در عراق نیروهای نظامی را افزایش داده و خواستار گسترش حضور نظامی خود شده است؛ چنانکه برای توجیه این امر در عملیات فلوچه نیز مشارکت هوایی دارد. در سوریه، آمریکا به‌طور رسمی از اعزام ۲۵۰ نیروی ویژه به رقه با ادعای حمایت از کردها خبر داده و فرمانده ارشد نظامی آمریکا در این منطقه حضور می‌یابد. گزارش‌های منتشر شده از حضور فرماندهان نظامی آمریکا در رقه با ادعای همکاری با کردهای سوریه برای مبارزه با تروریسم حکایت دارد. آمریکایی‌ها در یمن نیز اقدام به اعزام نیروی نظامی از منطقه حضرموت کرده‌اند و گزارش‌ها از ایجاد تأسیسات گسترده نظامی در این منطقه حکایت دارد. آمریکا ادعا دارد که به‌دنبال مقابله با القاعده است، اما در اصل طرح حضور نظامی دائم در این منطقه را در سر دارد.

در افغانستان نیز آمریکایی‌ها در کنار اعلام افزایش نیروی نظامی، خبر کشته شدن ملا اختر منصور سرکرده طالبان افغانستان در حملات پهپادی

آمریکا را مطرح کردند. بر اساس مصوبه جدید کنگره، آمریکا از بازگشت نیروهای آمریکایی به وضعیت جنگی خبر داده است، در حالی که از سال ۲۰۱۴ این نیروها صرفاً در قالب نیروهای آموزشی فعالیت داشتند. آمریکایی‌ها در لیبی نیز از همکاری با ناتو برای حضور نظامی در این کشور خبر داده و منابع اطلاعاتی اعلام کرده‌اند از ماه‌ها پیش نیروهای آمریکایی‌ها در این کشور حضور یافته‌اند. در اروپا نیز آمریکا در کنار اجرای طرح سپر موشکی در رومانی، اقدام به استقرار نیرو در اروپای شرقی و حتی کشورهایی مانند اسپانیا، آلمان و… کرده است.

مجموع این تحركات در حالی صورت می‌گیرد که اوباما در دکترین ادعایی خود از گزینه نظامی به‌منابه گزینه آخر سخن گفته و در طول هشت سال گذشته ژست عدم رویکرد به این گزینه را مطرح کرده بود. حال این سؤال پیش می‌آید که چرا آمریکا به سمت این گزینه پیش رفته و چه اهدافی را پیگیری می‌کند؟ بخشی از این تحركات را می‌توان در وضعیت داخلی آمریکا، یعنی جنگ قدرت گسترده‌ای که در میان جمهوریخواهان و دموکرات‌ها ایجاد شده جست‌وجو کرد. ناکامی‌های گسترده اوباما در عرصه سیاست خارجی، به‌ویژه افول شدید جایگاه آمریکا از ناجی امنیت جهان به تهدید امنیت بین‌الملل، زمینه‌ساز فشار سنگین جمهوریخواهان به دموکرات‌ها شده است، در حالی که خواست فردی اوباما مبنی بر ثبت شدن نامش در تاریخ در مقام رئیس‌جمهوری مقتدر و کارآمد نیز در حال نابودی است. با توجه به ناکامی دیپلماسی نرم اوباما، در نهایت وی رویکرد اجباری به گزینه نظامی جهانی را در پیش گرفته تا شاید بتواند حداقل دستاوردی را کسب کند تا هم به مطالبات دموکرات‌ها برای پاسخگویی به مبارزات انتخاباتی جمهوریخواهان پاسخ دهد و هم اینکه رؤیای خود را برای ثبت‌نام در سمت رئیس‌جمهوری مقتدر محقق کند. نکته دیگر آنکه آنچه آمریکایی‌ها ادعا دارند مبارزه با تروریسم و جلوگیری از قدرت‌یابی آنان است. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که یک نکته کلیدی در این میان وجود دارد و آن اینکه آمریکایی‌ها در طول سال‌های اخیر برای رسیدن به اهداف خود از دو مؤلفه تروریسم و شرکای منطقه‌ای بهره گرفته‌اند. با توجه به دو کلیدواژه فوق مقامات کاخ سفید، یعنی آمریکا برای منافع خود صرفاً وارد میدان می‌شود و دیگر آنکه گزینه نظامی، آخرین گزینه اوباما برای تأمین این منافع است، می‌توان گفت رویکرد آمریکا به نظامی‌گری سراسری برگرفته از تهدید شدن منافع آمریکا و در عین‌حال ناتوانی مهره‌هایی همچون تروریسیسم و شرکای منطقه‌ای آمریکا در تحقق منافعی است. به عبارتی، ورود آمریکا به عرصه نظامی مستقیم را باید نتیجه‌ناامیدی آمریکا از شرکایی چون مرتجعان عرب، ترکیه، صهیونیست‌ها و تروریست‌ها، در اجرای اهدافش دانست که ورود اجباری آمریکا را به همراه داشته است. این امر زمانی نمود بیشتری می‌یابد که سران کاخ سفید بارها اعلام کرده‌اند پلیس جهان نیستند و هر جا منافع آمریکا لازم بداند وارد میدان می‌شوند.

نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام – ۲۱

ورود پنهانی صهیونیست‌ها به گامبیا

■ ■ ■ **عبدالله عبادی** ■ ■ ■

گامبیا کشور کوچکی در غرب آفریقااست، موقعیت جغرافیایی این کشور به گونه‌ای است که در داخل مرزهای سنگال محصور شده است و هیچ همسایه دیگری جز سنگال ندارد. کوچک بودن این کشور و کم بودن جمعیت آن در مقایسه با سنگال سبب شده تا سیاستمداران آن همواره برای راهی از زیر سایه سنگین همسایه قدرتمند خود به دنبال تکیه‌گاه‌های خارجی باشند.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ یحیی جامه، رئیس‌جمهور این کشور با سفر به جمهوری اسلامی ایران و دیدار با رهبر معظم انقلاب خواستار دریافت کمک‌های اقتصادی از ایران شد. بر این اساس، در اوایل دهه ۲۰۰۰ روابط اقتصادی بین دو کشور برقرار شد،اما این روابط چندان گسترده نبود. با پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ و اولویت یافتن آفریقا در سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران، گامبیا به یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران در غرب آفریقا تبدیل شد.یحیی جامه در سال ۱۳۸۵ به مناسبت برگزاری اجلاس سران اتحادیه آفریقا در بانجول از احمدی‌نژاد به عنوان میهمان افتخاری دعوت به عمل آورد و با حضور احمدی‌نژاد در این کشور فصل نوینی در روابط ایران و گامبیا آغاز شد و سطح روابط این دو کشور به حدی گسترش یافت که احمدی‌نژاد در سفر به ونزوئلا در بانجول توقف و با یحیی جامه دیدار و گفت‌وگو کرد.

این روابط از چشم وزارت خارجه رژیم صهیونیستی دور نماند و از آنجا که این رژیم همواره ایران را رقیبی قدرتمند در عرصه بین‌الملل می‌داند، با طرح یک راهبرد پیچیده مانع از ادامه روابط ایران و گامبیا شد. رژیم صهیونیستی در اولین گام سطح روابط خود با سنگال را افزایش داد و چندین پروژه اقتصادی موفق را در این کشور به اجرا گذاشت.اجرای این پروژه‌های اقتصادی که بیشتر در زمینه

کشورهای غربی از زمانی که سیاست استعمار را در برنامه اصلی خود قرار دادند، همواره بار مالی و کسری‌های اقتصادی خود را از طریق وارد کردن فشار بر کشورهای مستعمره جبران می‌کردند. این موضوع در قبال انگلیس – هند بیشتر نمایان بوده است، اما دیگر کشورها از جمله فرانسه نیز از این سیاست استفاده می‌کردند. یکی از بزرگ‌ترین دلایلی که سبب شده کشورهای استعمارزده به جهان سوم تبدیل شده و از توسعه باز بمانند، به همین مسئله بازمی‌گردد. این رویکرد تا زمان وجود استعمار وجود داشته است، اما از زمانی که کشورهای عقب نگه داشته شده، علیه استعمارگران دست به اعتراض و شورش زدند، بحران‌های سرمایه‌داری یکی‌یکی خود را نشان دادند. دهه ۱۹۷۰ و سال‌های ۲۰۰۸ به بعد از نمونه‌های این بحران بوده است که هنوز هم ادامه دارد. اما مسئله این است که دولت‌های غربی دیگر نمی‌توانند سیاست استعماری



خود را ادامه داده و بار مالی و کسری‌های اقتصادی خود را بر دوش کشورهای مستعمره بیندازند. به همین منظور برخی از این شورش‌ها و تظاهرات به کشورهای غربی رسوخ کرده است. فرانسه یکی از این کشورها است که بیش از دیگر کشورهای استعمارگر دچار شورش‌های خیابانی می‌شود و اعتصابات را هر چند سال یک بار تجربه می‌کند.

شورش‌ها و اعتصابات‌های اخیر فرانسه که از دو هفته گذشته آغاز شده، تنها یک نمونه‌از اعتراضات جمعی است که هر چند سال یک بار در این کشور رخ می‌دهد. فرانسه از جمله کشورهای اروپایی است که شهروندان آن از قوم و تبار مختلفی هستند که بسیاری از آنها به دلیل عقب نگه داشته شدن و زندگی در فقر با سیاست‌های دولتی مخالفند.

بحران سرمایه‌داری شکل‌گرفته از سال ۲۰۰۸ در میان کشورهای اروپایی، فرانسه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ به گونه‌ای که دولت‌مردان این

راست افراطی در کمین کرسی قدرت فرانسه

■ ■ ■ **رضا اشرفی** ■ ■ ■

کشور در روابط خود با دیگر کشورها و همچنین مذاکرات پیش رو به گدایی دیپلماتیک روی آورده‌اند تا بخشی از مشکلات مالی خود را حل کنند؛ اما این روند نتوانسته است همانند دوران استعمار از مشکلات مالی فرانسه بکاهد! به همین دلیل فرانسه طی روزهای اخیر با شورش‌ها و اعتصابات فراوانی مواجه شده است.

اعتصابات شکل‌گرفته در فرانسه مختص بخش خصوصی نیست؛ بلکه بخش‌های دولتی نیز به این اعتراض وارد شده‌اند و به دنبال مطالبات خود از دولت هستند. طیف‌های مختلف حاضر در اعتصابات متعهد شده‌اند تا رسیدن به اهداف خود عقب‌نشینی نخواهند کرد. این مسئله زمانی به تهدید ملی تبدیل می‌شود که تعداد آنها بسیار افزایش پیدا کند. خبرها حاکی است که تعداد اعتصاب‌کنندگان به چند میلیون نفر رسیده است که حوزه‌های مختلفی را پوشش می‌دهد. از جمله حمل‌ونقل، بخش‌های بیمارستانی، اداره مالیات، بانک‌ها، کنترل‌های هوایی، شرکت مخابراتی فرانس تله‌کام، کارکنان ای‌رفرانس، کارکنان ادارات برق، پالایشگاه‌ها و…

اصلاحاتی را که دولت فرانسه در پیش گرفته و حذف پست‌های دولتی که در راستای کاهش بار مالی صورت گرفته سبب این اعتصابات شده است. دولت معتقد است که برای عبور از بحران پیش آمده باید بیش از ۲۳ هزار پست دولتی را حذف کند. این در حالی است که شهروندان دولتی در انتخابات گذشته خود با نه گفتن به نیکلاسارکوزی و کنار گذاشتن راست‌گرایان، کرسی قدرت را در اختیار سوسیالیست‌ها به رهبری فرانسوا اولاند قرار دادند تا از این طریق دست‌کم مشکلات مالی از روی دوش مردم برداشته شود، اما محاسبه عبور از بحران، به مردم فشار بیاورد.

حال با شکست راست‌گرایان و همچنین ادامه سیاست‌های ریاضتی و حذف پست‌های دولتی و فشار به شهروندان فرانسوی، این گرایش وجود دارد که مردم به راست‌گرایان افراطی روی آورند. این گرایشی است که فرانسه طی سال‌های گذشته نیز از آن رنج می‌برده است؛ اما راست‌گرایان افراطی با توجه به سیاست‌های افراطی خود هنوز نتوانسته‌اند کرسی قدرت را در سطح کلان به دست بگیرند. در حالی که اگر مشکلات فرانسه به همین شکل ادامه پیدا کند و مردم از چپ‌گرایان سوسیالیست نیز ناامید شوند به سمت راست‌گرایان افراطی روی می‌آورند تا تجربه‌ای جدید را محک بزنند. این روندی است که چشم‌انداز آن وجود دارد و راست‌گرایان افراطی با حزب جبهه ملی به رهبری لوپن در انتخابات منطقه‌ای اخیر توانست شش منطقه از ۱۳ منطقه را از آن خود کند؛ موضوعی که دیگر دولت‌مردان اروپایی، به ویژه آلمان به شدت نسبت به آن نگران هستند.



کند و کاو

رخدادهای بی‌رمون مسائل ایران و آمریکا

آژانس بهانه جدید آمریکا

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران: به تازگی دو سناتور آمریکایی طرحی را پیشنهاد کرده‌اند که بر اساس آن رفع تحریم‌های ضد ایرانی به ارائه گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موسوم به «جمع‌بندی مسوط» منوط می‌شود. طرح پیشنهادی «تیم کین» و «کریس مورفی» خواستار تمدید «قانون تحریم ایران» است. این قانون که سال ۱۹۹۶ در کنگره آمریکا تصویب شد، در پایان سال جاری میلادی تمام می‌شود؛ به همین دلیل، نمایندگان کنگره آمریکا خواستار تمدید آن هستند. این طرح در صورت تصویب مقرر می‌کند که تحریم‌ها علیه ایران زمانی برداشته شود که رئیس‌جمهور آمریکا بتواند به کنگره گواهی بدهد که مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به «جمع‌بندی مسوط» رسیده و می‌تواند تأیید کند که تمامی فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است. تیم کین و کریس مورفی هدف از معرفی طرح پیشنهادی برای تمدید قانون یادشده را ضمانت صلح‌آمیز بودن مواد هسته‌ای موجود در ایران بیان کرده‌اند. **برجام حمله نظامی را ساده‌تر می‌کند**

خبرگزاری فارس: دو چهره سیاسی آمریکایی و سفیر امارات متحده عربی در نشست اندیشکده «بروکینگز» به مسئله توافق هسته‌ای با ایران پرداختند و مسائل قابل‌توجهی را به زبان آوردند. «اِبرت اینهورن» عضو سابق وزارت خارجه آمریکا درباره برنامه جامع اقدام مشترک گفت: پس از ۱۵ سال که عمر توافق هسته‌ای به پایان می‌رسد، تهران قادر به افزایش توان غنی‌سازی خود نخواهد بود. وی افزود: آنها امروز می‌گویند که در آینده غنی‌سازی صنعتی خواهند داشت تا نیاز را آکتوره‌های خود را تأمین کنند؛ اما واقعیت این است که ایران برای دهه‌ها را آکتورهای خود را نخواهد داشت و نیازمند خارجی‌ها خواهد ماند. ریچارد نفیو، عضو سابق تیم مذاکره‌کننده آمریکا گفت: «حتی پس از اتمام عمر توافق هسته‌ای، واشنگتن ابزارهای کنونی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران را در اختیار خواهد داشت و اگر ایران به سمت سلاح اتمی حرکت کند، آمریکا می‌تواند به تحریم یا حمله نظامی متوسل شود.»

خبرگزاری تسنیم: فرماندار ایالت «تگزاس» در اظهاراتی که نشان‌دهنده

یکی دیگر از ضعف‌های «برجام» در ملزم کردن آمریکا به عمل به تعهداتش تحت این توافق هسته‌ای است، همتایانش در تمامی ایالت‌ها را به حفظ تحریم‌ها علیه ایران دعوت کرد. «گرگ آبوت» فرماندار ایالت تگزاس پس از پاسخ تند به نامه ترغیب‌گرانه دولت «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر تجدید نظر ایالت‌ها در تحریم‌ها علیه ایران، همتایانش در تمامی ایالت‌های کشور خود را به حفظ تحریم‌ها علیه ایران دعوت کرد. آبوت در نامه‌ای دو صفحه‌ای از فرمانداران تمامی ایالت‌های آمریکا خواست تا درخواست اوباما درباره تجدیدنظر ایالت‌ها در تحریم‌ها علیه ایران را نادیده بگیرند.

اصرار لابی آمریکایی به استمرار تحریم‌ها

خبرگزاری فارس: گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» که نقش مهمی در لابی‌گری برای تحریم ایران داشته است، به شرکت‌های سوئدی درباره تجارت با ایران هشدار داد. یک گروه مظنون به داشتن ارتباطات با دولت آمریکا که نقش مهمی در لابی‌گری برای تحریم ایران به بهانه مسائل هسته‌ای داشته است، به شرکت صنایع سنگین «ولوو» درباره تجارت با ایران در آستانه سفر محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران به سوئد هشدار داد. گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» در بیانیه‌ای نوشته است: «همزمان با سفر محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران در رأس یک هیئت تجاری به سوئد در روز چهارشنبه، گروهی از دیپلمات‌ها و قانونگذاران فشار بر ولوو و سایر شرکت‌های سوئدی را افزایش و به آنها درباره خطرهای تجارت با ایران هشدار داده‌اند.»

سایر کشورها نیز حضور داشتند.

در این مراسم «الی بن تورا» سفیر رژیم صهیونیستی خوشحالی خود از حضورش در بین مردم گامبیا را اعلام کرد و گفت: «رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس با ایجاد سازمان ماشاو به ارائه کمک‌های اقتصادی و آموزشی به کشورهای فقیر و در حال توسعه، پرداخته است و این اولین‌باری است که ما چنین مراسمی را در گامبیا برگزار کرده و امیدواریم که روابط دو طرف

خواستار تعمیق روابط دو طرف شدند. سفیر رژیم صهیونیستی در ادامه گفته بود: رئیس‌جمهور گامبیا خواستار اعزام کارشناسان این کشور در زمینه‌های کشاورزی، آموزش و پرورش و جهانگردی به اسرائیل آسززمین‌های اشغالی ا برای آموزش و افزایش توانمندی‌های آنان شد. یحیی جامه همچنین خواستار سفر مقامات عالی‌رتبه اسرائیل از جمله بنیامین نتانیاهو به گامبیا شده بود.



در سال ۲۰۱۰ به درخواست دولت گامبیا هییتی از کارشناسان رژیم صهیونیستی وارد این کشور شدند تا مطالعات اولیه را برای تأسیس یک کارخانه تولید پنسبه در بانجول آغاز کنند. علاوه بر این، سازمان کمک‌های خارجی رژیم صهیونیستی ماشاو، گامبیا را در اولویت خود قرار داد و چندین پروژه عمرانی و کشاورزی را در این کشور آغاز کرد.

در سال ۲۰۱۳ به مناسبت شصت‌وپنجمین سالگرد تأسیس رژیم منحوس صهیونیستی مراسمی در گامبیا برگزار شد که در نوع خود کم‌سابقه بود. بر این اساس، سفیر رژیم صهیونیستی در سنگال، که سفیر آژودرته در گامبیا نیز بود، مراسمی را در یکی از هتل‌های گامبیا برگزار کرد که در آن علاوه بر مقامات گامبیایی، تعدادی از سفرای

به فاصله چند ماه پس از این اتفاق، سفیر رژیم صهیونیستی دور نماند و از آنجا که این رژیم همواره ایران را رقیبی قدرتمند در عرصه بین‌الملل می‌داند، با طرح یک راهبرد پیچیده مانع از ادامه روابط ایران و گامبیا شد. رژیم صهیونیستی در اولین گام سطح روابط خود با سنگال را افزایش داد و چندین پروژه اقتصادی موفق را در این کشور به اجرا گذاشت.اجرای این پروژه‌های اقتصادی که بیشتر در زمینه